

دستنامه سغدی

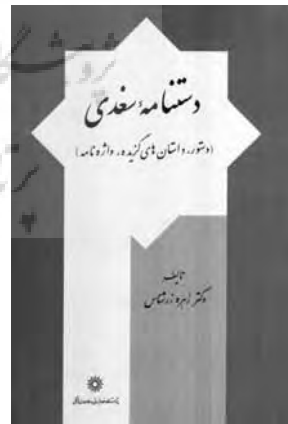
نگاهی به

دستور، داستان‌های گزیده، واژه‌نامه

تاریخ تحوّل زبان‌های ایرانی بر پایه اسناد و مدارک به دست آمده، سه دوره باستان، میانه و نو را در بر می‌گیرد. زبان‌های دوره میانه، که محدوده زمانی پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشیان تا انقراض ساسانیان و آغاز دوره اسلامی را شامل می‌شوند، از نظر ویژگی‌های زبانی، به دو شاخه غربی و شرقی تقسیم می‌شوند. درباره زبان‌های ایرانی میانه شاخه غربی، که عبارتند از پهلوی اشکانی و فارسی میانه یا پهلوی ساسانی، از دیرباز تحقیقات بسیاری صورت گرفته و آثار متعددی منتشر شده است؛ اما شاخه شرقی، که شامل زبان‌های سغدی، خوارزمی، بلخی و سکایی است، در مقایسه با شاخه غربی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ برای نمونه، قبل از کشف متون ترفان در ترکستان چین در اوایل قرن بیستم، سغدی زبانی کاملاً ناشناخته بود. اولین بار، دانشمندی چون آندرئاس و مولر، با شناسایی و انتشار تعدادی از متون مربوط به آن، زبان سغدی را به همگان معرفی کردند. از آن زمان تا کنون، آثار پراکنده فراوانی از سغدی در نواحی گوناگون آسیای میانه به دست آمده و توسط دانشمندان زبان‌شناس مطالعه شده و ویژگی‌های دستوری آن بررسی و مشخص شده است؛ اما همچنان نکات ناگفته بسیاری درباره این زبان باقی مانده است.

با این اوصاف، انتشار کتاب مورد بحث - دستنامه سغدی - توسط

الهه شهبابی*



* دستنامه سغدی (دستور، داستان‌های گزیده، واژه‌نامه).

* دکتر زهره زرشناس.

* چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، ۱۳۸۷.

خانم دکتر زهره زرشناس، برای پژوهندگان زبان‌های ایرانی میانه شرقی و دانشجویان زبان‌های باستان غنیمی به شمار می‌آید. دکتر زهره زرشناس، استاد زبان‌های باستانی در پژوهشگاه علوم انسانی و دارای تألیفات دیگری نیز در این زمینه هستند؛ آثاری همچون شش متن سغدی و جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه شرقی. چنان که مؤلف محترم در آغاز کتاب اشاره کرده است، با بررسی علمی و تجزیه و تحلیل این زبان و شناخت فرهنگ مردمی که به آن سخن می‌گفتند، راه ما برای شناخت فرهنگ ایران و مطالعه علمی پیشینه زبان فارسی هموارتر می‌گردد. از سوی دیگر، زبان سغدی در پیوند با سه دین مهم آن دوران - دین‌های بودایی، مسیحی و مانوی - بوده است و از این جهت هم درخور توجه است. با این حال، پس از گذشت یکصد سال از تاریخ شناخت آن، زبان سغدی هنوز هم برای فارسی‌زبانان نامی آشنا نیست و علاوه بر این، پیچیدگی‌های دستوری، که خاص زبان‌های ایرانی میانه شرقی است، یادگیری آن را برای دانشجویان هم دشوار می‌کند. مؤلف با ذکر این نکات، هدف از نگارش دستنامه سغدی را بر ما آشکار می‌کند. کتابی که به خاطر در بر داشتن الفبا و دستور زبان سغدی، متن‌هایی به عنوان نمونه و واژه‌نامه، می‌تواند همچون کتاب راهنمایی برای یادگیری زبان سغدی به کار رود.

کتاب شامل پیش‌سخن و سه گفتار اصلی است و در بخش پایانی، کتابنامه و کتاب‌شناسی زبان سغدی، به همراه واژه‌نامه اصطلاحات به کار رفته در دستنامه به فارسی و انگلیسی و فهرست جدول‌ها آمده است. در بخش پیش‌سخن به جایگاه زبان‌های ایرانی در خانواده زبان‌های هند و اروپایی به طور اجمالی اشاره شده و مراحل زمانی که در طی آن زبان‌های ایرانی تحوّل یافته‌اند، توضیح داده شده‌اند. پس از ذکر دلایل اهمیت پرداختن به زبان سغدی، تعدادی از کتاب‌ها و مقالاتی که منابع پایه و اساسی مؤلف در نوشتن این کتاب بوده‌اند، نام برده شده‌اند و درباره شیوه دسته‌بندی مطالب، در سه گفتار اصلی توضیحاتی ارائه شده است. در پایان پیش‌سخن، نشانه‌ها و کوتاه‌نوشت‌هایی که در متن کتاب مورد استفاده مؤلف قرار گرفته‌اند، فهرست‌وار ذکر شده‌اند.

در گفتار نخست، قسمت درآمد، اطلاعات کاملی درباره زبان سغدی و خانواده زبانی و حوزه جغرافیایی مربوط به آن ارائه شده است. بر طبق آنچه در کتاب آمده، زبان سغدی در سغدیان، ناحیه‌ای در امتداد زرافشان و کشکهدریا - بخشی از ازبکستان و تاجیکستان امروز - رواج داشته است. این سرزمین یکی از ساتراپی‌ها (شهربان‌نشین‌های) امپراطوری هخامنشی بوده است که مرکز آن در حدود شهرهای سمرقند و بخارا واقع شده بود.

از زبان سغدی در دوره باستان اثر مکتوبی به جا نمانده و آنچه امروز در اختیار ماست، مربوط به دوره میانه است. زبان‌های بلخی و خوارزمی، دو زبان هم‌خانواده با زبان سغدی در این دوره بوده‌اند. در حال حاضر زبان یغناپی که در ناحیه زرافشان تاجیکستان رواج دارد، بازمانده یکی از گویش‌های زبان سغدی است و گاهی آن را سغدی جدید (Lingua franca) هم می‌نامند.

یکی از نکات درخور توجه درباره زبان سغدی، نقش آن به عنوان زبان میانگان است. در طول فعالیت بازرگانان سغدی در امتداد جاده ابریشم، این زبان نقش زبان میانجی را در انتقال کالا و مفاهیم فرهنگی بر عهده داشت. این زبان تا سده شانزدهم میلادی در اطراف بخارا دارای گویشور بوده است. آثاری که اکنون از زبان سغدی در دست داریم، برحسب موضوع به دو گروه دینی و غیردینی تقسیم می‌شوند. آثار دینی شامل متونی است که مربوط به سه دین بودایی، مسیحی و مانوی می‌شوند. نوشته‌های غیردینی سکه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، نامه‌های باستانی و اسناد کوه مغ و آثاری از این دست را در بر می‌گیرند. در این میان، آثار سغدی بودایی به خط سغدی، آثار مانوی به خط مخصوص مانویان و آثار سغدی مسیحی به خط سریانی نگاشته شده‌اند.

در خط سغدی که از خط دیوانی امپراطوری هخامنشی (آرامی) اقتباس شده است، هزوارش و املاقی تاریخی وجود دارد. نظام نوشتاری سغدیان، که از خط آرامی سرچشمه گرفته است، در پایان این بخش همراه با جدول‌هایی از سه گونه الفبای سغدی به طور کامل شرح داده شده است. افزون بر این، گفتار نخست شامل

یکی از نکات درخور توجه درباره زبان سغدی، نقش آن به عنوان زبان میانگان است. در طول فعالیت بازرگانان سغدی در امتداد جاده ابریشم، این زبان نقش زبان میانجی را در انتقال کالا و مفاهیم فرهنگی بر عهده داشت. این زبان تا سده شانزدهم میلادی در اطراف بخارا دارای گویشور بوده است

یکی از نکات درخور توجه در کتاب پیش این به عنوان زبان میانگان است. در طول فعالیت بازرگانان سغدی در امتداد جاده ابریشم، این زبان نقش زبان میانجی را در انتقال کالا و مفاهیم فرهنگی بر عهده داشت. این زبان تا سده شانزدهم میلادی در اطراف بخارا دارای گویشور بوده است

در آخرین بخش گفتار سوم، که به متون سغدی اختصاص دارد، اصحاب کهف را به عنوان نمونه انتخاب کرده است؛ داستانی معروف که به خاطر اثبات حقانیت رستاخیز مردگان، همواره مورد توجه مسلمانان و مسیحیان بوده است. در این قسمت، علاوه بر متن سغدی مسیحی، متن سریانی داستان هم که توسط سیمز و بلیامز بررسی شده، در پانویست آمده است

در آخرین بخش گفتار سوم، که به متون سغدی مسیحی اختصاص دارد، مؤلف قصه اصحاب کهف را به عنوان نمونه انتخاب کرده است؛ داستانی معروف که به خاطر اثبات حقانیت رستاخیز مردگان، همواره مورد توجه مسلمانان و مسیحیان بوده است. در این قسمت، علاوه بر متن سغدی مسیحی، متن سریانی داستان هم که توسط سیمز و بلیامز بررسی شده، در پانویست آمده است

بر طبق قواعد زبان اصلی است. بنابراین برای پی بردن به نحو زبان سغدی، کمکی به ما نمی‌کند. در این قسمت، مؤلف ضمن توضیح مباحث نحوی زبان سغدی، با آوردن مثال‌هایی که بیشتر از متن آثار سغدی انتخاب شده‌اند، خوانندگان را در فهم مطالب دستوری یاری می‌کند و برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر، آنها را به آثار محققان مشهور زبان سغدی، همچون "kaufman" "heston" و "yoshida" ارجاع می‌دهد. پس از آن، نوبت به واژه‌سازی می‌رسد. واژگان سغدی، یا بسیطند یا مشتق و یا مرکب. در این بخش، شیوه ساختن اسم و صفت در سغدی شرح داده شده و در پایان، توضیحاتی درباره واژگان زبان سغدی و ارتباطشان با سایر زبان‌ها ارائه شده است. در متن‌های سغدی بودایی، مانوی و مسیحی که ترجمه از زبان‌های دیگر هستند، اصطلاحات بیگانه هندی، ایرانی غربی و سریانی به چشم می‌خورد، که بیشتر آنها در زبان سغدی بومی نشده‌اند. پایان بخش گفتار دوم، فهرستی کوتاه است از واژه‌های دخیل در سغدی که در هر دو زبان کاملاً همگون هستند؛ برای مثال، واژه "dīdēm" به معنای «دیدیم» که از صورت یونانی "διαδημα" گرفته شده است.

گفتار سوم که به متن‌های نمونه اختصاص دارد، شامل سه داستان سغدی است که به ترتیب از متون بودایی، مانوی و مسیحی انتخاب شده‌اند. در هر قسمت، ابتدا درباره متون مربوط به آن دین مطالبی آمده و داستان مورد نظر معرفی شده، پس از آن حرف‌نوشت و آوانویسی متن به همراه برگردان آن به فارسی آورده شده و جا به

پیوستی است که در آن ویژگی‌های خاص سه گونه خط سغدی توضیح داده شده و برای آشنایی بیشتر، متن‌های نمونه‌ای از سه خط سغدی بودایی، مانوی و مسیحی، به همراه حرف‌نوشت آنها آورده شده است که شامل قصه سغدی «مروارید سنب» به خط مانوی و خط سغدی و بخشی از متن «گفت‌وگویی پدران» به خط سریانی است.

گفتار دوم کتاب به دستور زبان سغدی اختصاص دارد. در این بخش ابتدا به آواهای زبان سغدی پرداخته شده و واکها و همخوان‌های آن از نظر جایگاه تلفظ بررسی شده و در جدول‌هایی طبقه‌بندی شده‌اند. پس از آن، مسئله «تکیه» مورد توجه قرار گرفته است.

تکیه در زبان سغدی، معمولاً بر روی نخستین مصوت بلند واژه واقع می‌شود و اگر واژه مصوت بلند نداشته باشد، روی هجای پایانی قرار می‌گیرد. این قانون آوایی بر صرف و نحو و شیوه واژه‌سازی سغدی تأثیر زیادی گذاشته است و نتیجه آن به وجود آمدن دو نوع ماده سنگین و سبک شده است که هر کدام شیوه صرف مخصوص خود را دارند. در این قسمت تفاوت صرف ماده‌های سنگین و سبک و قانون توازن یا هم‌آوایی با ذکر مثال‌هایی توضیح داده شده‌اند. بر پایه قانون توازن، داشتن یا نداشتن تکیه، باعث حفظ یا حذف مصوت‌های پایانی در واژه‌های سغدی می‌شود. اطلاعات این بخش از کتاب با جدول‌های صرف ماده‌های سبک و سنگین، که بر حسب جنس و شمار و حالت‌های دستوری طبقه‌بندی شده‌اند، تکمیل می‌شود. بخش‌های بعدی به ضمائر و اعداد اختصاص داده شده و پس از آن نوبت به افعال می‌رسد.

فعل در زبان سغدی، دارای دو ماده یا دو بن مضارع و ماضی است. همان طور که در کتاب آمده است، زبان سغدی در میان تمام زبان‌های ایرانی میانه، به دلیل داشتن بیشترین شکل‌های بیان برای زمان‌های مختلف، وجه و نمود، زبانی منحصر به فرد به شمار می‌رود. در این بخش، پایانه‌های صرفی مربوط به صورت‌های مختلف افعال ماضی، مضارع و امر، و در قسمت پیوست‌ها، صرف کامل این افعال آورده شده است. بندهای بعدی شامل توضیحات مربوط به افعال مجهول، لازم و متعدی، پیشوندهای فعلی و در پایان، ادات فعلی است و پس از آن، قیدها، حروف ربط و اضافه و اصوات بررسی می‌شوند.

بخش بعدی از دستور زبان سغدی به نحو اختصاص یافته است. همان گونه که در آغاز کتاب اشاره شده است، بخش بزرگی از ادبیات سغدی، شامل متون دینی است که از زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند. نحوه قرار گرفتن کلمات در عبارات این متون

جا توضیحات لازم به صورت پانویس ارائه شده است.

بخش نخست این گفتار، که حاوی نمونه‌ای از متون سغدی بودایی است، دربارهٔ داستانی است به نام «قصهٔ کرماهی»، که برابر گربه‌ماهی دانسته شده است. به گفتهٔ مؤلف، شباهت‌هایی میان این داستان و قصهٔ «کوناله» و نیز داستان سیاوش وجود دارد و هر سه داستان، سرگذشت شاهزادگانی است که به نحوی مورد ستم نامادری قرار می‌گیرند. به همین دلیل، در پایان این قسمت، داستان زندگی «کوناله» در سنجش با داستان زندگی سیاوش نقل شده است.

در بخش بعد، که شامل متن نمونه‌ای از ادبیات سغدی مانوی است، داستان حضرت ایوب (ع) بررسی می‌شود. این داستان مشهور، که هم در قرآن و هم در عهد عتیق روایت شده است، در میان مردم از محبوبیتی خاص برخوردار بوده و در ادبیات فارسی هم بازتاب یافته است. در اینجا نمونه‌هایی از آیات قرآن و تورات و بیت‌هایی از مثنوی مولانا که در ارتباط با این داستان هستند، ذکر شده و در پایان، روایت اسلامی قصهٔ حضرت ایوب نیز به نقل از ابوبکر عتیق نیشابوری آورده شده است.

در آخرین بخش گفتار سوم، که به متون سغدی مسیحی اختصاص دارد، مؤلف قصهٔ اصحاب کهف را به عنوان نمونه انتخاب کرده است؛ داستانی معروف که به خاطر اثبات حقانیت رستخیز مردگان، همواره مورد توجه مسلمانان و مسیحیان بوده است. در این قسمت، علاوه بر متن سغدی مسیحی، متن سریانی داستان هم که توسط سیمز ویلیامز بررسی شده، در پانویس آمده است. بر طبق کتاب، از داستان اصحاب کهف بیش از ۲۰۰ نسخه

اقدام ارزندهٔ دکتر زرشناس در واژه‌نامه، ذکر شمارهٔ مدخل واژه در فرهنگ سغدی دکتر قریب و نیز شمارهٔ پاراگراف آن در کتاب دستور زبان سغدی مانوی، اثر ایلیا گرشویچ است. این کار کمک شایانی به دانشجویان و علاقه‌مندان به پیگیری مبانی دستوری و لغوی زبان سغدی است؛ چراکه فرهنگ سغدی دکتر قریب، تنها واژه‌نامهٔ جامع و کامل زبان سغدی، و کتاب گرشویچ کامل‌ترین منبع موجود برای مطالعهٔ این زبان به شمار می‌رود

دست‌نویس به زبان‌های گوناگون به جا مانده است که آنها را به دو دستهٔ «شرقی» و «بیزانسی و غربی» تقسیم کرده‌اند. گروه شرقی دربرگیرندهٔ متن‌های مسیحی و اسلامی است و گروه بیزانسی و غربی با ادبیات لاتینی پیوند پیدا می‌کند. در این قسمت، روایت قرآنی و داستان اصحاب کهف در ادبیات متأخر با یکدیگر مقایسه شده‌اند و وجوه اشتراک و افتراق آنها بررسی شده است. به غیر از این، نکات جالبی دربارهٔ نقش «خفتگان افسوس» در مراسم مذهبی مسیحیان، هم در غرب و هم در شرق ذکر شده و در پایان، صورت کامل داستان اصحاب کهف به روایت مسیحی و سپس به روایت قرآن آورده شده است. واژگان این سه متن منتخب، به همراه اطلاعات کامل مربوط به آنها، یعنی آوانویسی، ریشه‌شناسی، ذکر حالت‌های دستوری و برگردان فارسی، در بخش واژه‌نامهٔ داستان‌های سغدی گردآوری شده است.

اقدام ارزندهٔ دکتر زرشناس در واژه‌نامه، ذکر شمارهٔ مدخل واژه در فرهنگ سغدی دکتر قریب و نیز شمارهٔ پاراگراف آن در کتاب دستور زبان سغدی مانوی، اثر ایلیا گرشویچ است. این کار کمک شایانی به دانشجویان و علاقه‌مندان به پیگیری مبانی دستوری و لغوی زبان سغدی است؛ چراکه فرهنگ سغدی دکتر قریب، تنها واژه‌نامهٔ جامع و کامل زبان سغدی، و کتاب گرشویچ کامل‌ترین منبع موجود برای مطالعهٔ این زبان به شمار می‌رود.

پس از واژه‌نامه، فهرست اختصارات کتاب‌ها و مجلات آمده است، که از دیگر اقدامات شایان تقدیر مؤلف در این کتاب است و جویندگان را با نام کامل نشریات مرتبط با مطالعات زبان‌های ایرانی آشنا می‌کند. پس از آن، کتابنامهٔ فارسی و لاتین آمده و در ادامه، بخشی به نام کتاب‌شناسی زبان سغدی آورده شده است که حاوی مهم‌ترین آثار منتشرشدهٔ مربوط به زبان سغدی است؛ فهرستی که مجموعه‌ای غنی از منابع مطالعات زبان سغدی را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد. به دنبال آن، فرهنگ اصطلاحات دستوری فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی آمده است و مطالب کتاب با فهرست جدول‌ها و نمایه پایان می‌یابد.

بی‌تردید، کتاب دستنامهٔ سغدی با پرداختن به این زبان و ارائهٔ طرحی اجمالی از دستور آن به زبانی ساده، به زودی جای خود را در میان علاقه‌مندان به پژوهش در زبان‌های ایرانی میانهٔ شرقی باز خواهد کرد. امید است که دربارهٔ دیگر زبان‌های هم‌خانوادهٔ آن، همچون بلخی و خوارزمی، هم شاهد چنین تألیفات ستودنی باشیم.

پی‌نوشت

* دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی.

اقدام ارزندهٔ دکتر زرشناس در واژه‌نامه، ذکر شمارهٔ مدخل واژه در فرهنگ سغدی دکتر قریب و نیز شمارهٔ پاراگراف آن در کتاب دستور زبان سغدی مانوی، اثر ایلیا گرشویچ است. این کار کمک شایانی به دانشجویان و علاقه‌مندان به پیگیری مبانی دستوری و لغوی زبان سغدی است؛ چراکه فرهنگ سغدی دکتر قریب، تنها واژه‌نامهٔ جامع و کامل زبان سغدی، و کتاب گرشویچ کامل‌ترین منبع موجود برای مطالعهٔ این زبان به شمار می‌رود